

خدا در اندیشه اسلام

ذهن بشر و آئینه

- شباهت
 - هر دو خطاسنج هستند
- تفاوت
 - آئینه خطایاب نیست
 - خودآگاهی ذهن
 - ذهن انسان به درون اشیاء نفوذ می‌کند
- عدم انعکاس نامحدود در ذهن انسان

شناخت خدا از طریق تغییر اشیاء جهان

چون اشیاء متغیرند پس نیازمندند **پی بردن به موجودی قائم به ذات در این هستی** **استدلال ابراهیمی**

شناخت از راه نظم و هدفمندی طبیعت

گویی جهان بی هدفی است **همان طور که از گفتار و نوشتار فردی به سواد وی پی می‌بریم از طریق نگاه به عالم به وجود خدا پی می‌بریم**

اشتباه برخی مورخان دینی

- فکر بشر او را به خدا نمی‌رساند
- علت گرایش به خدا خوف و جهل است
 - پس هر چه علم پیشرفت کند باید نیاز به خدا کمتر حس شود که این طور نیست
- در مجموع نباید چون فلائی حرفی زده، جزما بگوییم همان درست است و لا غیر

توجیه ناپذیری جهان بدون یک حقیقت بی‌نیاز

- موجود محدود یعنی موجود نیازمند
- نامحدود فقط علت است

شناخت ناقص اروپا از فلسفه اسلامی

- عدم آشنایی با ارسطو
- آشنایی با ارسطو بواسطه ترجمه کتب اسلامی
- انکا افراطی به ارسطو در حد کلام پیامبران الهی و خطانپذیر

اساسا چرا بحث احتیاج مطرح است

- متکلمین
 - بود بعد از نبود نیاز به علت را ایجاب می‌کند
- فلاسفه
 - هر موجودیتی یا در ذات خودش هستی دارد یا ندارد
 - اگر دارد بی‌نیاز علت است
 - اگر ندارد احتیاج به علت دارد

شناخت خدا از راه نقوص و کمالات

- با دیدن نواقص به این که کمالی مطلق وجود دارد
- با دیدن کمالات نیز به صفات ثبوتی خدا پی می‌بریم

تبعیت فکر انسان از شرایط عینی و ذهنی

- تأثیرگذاری انکارناپذیر شرایط بر تفکرات انسان
- اما می‌توان ذهن و تفکر را از شرایط مستقل کرد
- اگر فلسفه‌ای اپیدئولوژی خود را بر اساس شرایط بنا نهد **معل ماتریالیست‌ها**
- اولین قربلنی فلسفه‌اش خودش می‌شود

طرق خداشناسی

- با دیدن نواقص توجهش به موجودیتی که این نواقص را ندارد مجذوب می‌شود
- از کمال موجود در طبیعت به کمال الهی پی می‌برد

اشاره‌ای به برهان نظم

برای قضاوت موجودیتی باید بازتاب عملی و رفتاری او را بررسی کنیم وگرنه هنگام سکوت همه درهای شناخت بسته است